

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیم به پیشگاه:

مهر مستور آسمان امامت، قلب جهان، قطب کیان، صاحب الزمان، حجه بن الحسن المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، که چون برای نجات جهانیان به پا خیزد:

«يَعِطِفُ الْمَوَى عَلَى الْهُدَى، إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْمَوَى. وَيَعِطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ، إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ. وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ» [۱].

پسند و خوشایند مردمان را تابع رهنمود ربانی می‌سازد، در آن هنگام که آدمیان هدایت آسمانی را تابع هوس نفسانی ساخته‌اند.

و فکر و اندیشه انسان را به سوی بینش و نگرش قرآن گرایش می‌دهد، آن زمان که مردم قرآن را بر دستاورد پندار خویش سازگار نموده‌اند. آن‌گاه حقائق کتاب و سنت را که به حال مرگ افتاده است، حیات دوباره می‌بخشد.

بازخوانی هویت زن در سنت علوی

دکتر رقیه السادات مؤمن

استادیار گروه حقوق

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)؛ پردیس خواهران



حوزه معاونت پژوهشی و فناوری
دانشگاه امام صادق (ع)
پردیس خاوران



انشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: بازخوانی هویت زن در سنت علوی

مؤلف: دکتر رقیه‌السادات مؤمن

به اهتمام: دفتر نشر آثار علمی حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) - پردیس خاوران

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

صفحه‌آرا و ویراستار ادبی و طراح جلد: محمد روشنی

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۹۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۱۷-۶

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۲۱۲ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه، تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir) • www.ketabesadiq.ir

سرشناسه: مؤمن، رقیه‌السادات، ۱۳۶۳ -

عنوان و نام پدیدآور: بازخوانی هویت زن در سنت علوی / مؤلف رقیه‌السادات مؤمن؛ به اهتمام دفتر نشر آثار

علمی حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۴۶۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۱۷-۶

موضوع: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه درباره زن

موضوع: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه درباره حقوق زن

موضوع: زنان در اسلام

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران. دفتر نشر آثار علمی

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره: BP ۳۸/۰۹

رده بندی دیویی: ۳۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۶۹۷۸۴

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ،

فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

«این اثر برگرفته از رساله دکتری نگارنده تحت راهنمایی
دکتر نهله غروی نائینی و مشاوره دکتر طوبی شاکری گلپایگانی است
که در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه تربیت مدرس تهران دفاع شده است».

فهرست مطالب اجمالی

۱۹.....	سخن ناشر
۲۱.....	مقدمه
۲۵.....	فصل اول: کلیات
۷۳.....	فصل دوم: هویت معرفت‌شناختی زن از منظر علوی
۱۳۹.....	فصل سوم: هویت فعلیتی خارجی زن از منظر علوی (رویکرد نظامی، سیاسی، حقوقی)
۲۳۳.....	فصل چهارم: هویت فعلیتی خارجی زن از منظر علوی (رویکرد خانوادگی، فرهنگی)
۳۵۱.....	پی‌نوشت‌ها
۴۲۵.....	منابع و مآخذ
۴۵۱.....	نمایه

فهرست مطالب

۱۹ سخن ناشر
۲۱ مقدمه
۲۵ فصل اول: کلیات
۲۶ ۱. تبیین مفاهیم
۲۶ ۱-۱. مفهوم‌شناسی هویت
۳۰ ۱-۱-۱. مفهوم نقش جنسی
۳۱ ۲-۱-۱. مفهوم هویت جنسی زنان
۳۵ ۳-۱-۱. ضرورت بازخوانی هویت زنان
۳۶ ۲-۱. مفهوم‌شناسی سنت
۴۰ ۱-۲-۱. حجیت سنت معصومین
۴۴ ۳-۱. مفهوم‌شناسی حجیت
۴۵ ۲. مبانی حجیت فعل معصوم
۴۸ ۱-۲. ظهور و دلالت فعل معصوم
۴۹ ۱-۱-۲. دیدگاه نفی ظهور از فعل
۵۰ ۲-۱-۲. دیدگاه وجود ظهور برای فعل
۵۳ ۲-۲. نوع دلالت فعل معصوم
۵۴ ۳-۲. مقایسه دلالت قول و فعل معصوم
۵۵ ۴-۲. حدود دلالت فعل معصوم
۵۸ ۵-۲. ضوابط حجیت فعل معصوم
۵۸ ۱-۵-۲. در مقام بیان بودن فعل
۵۹ ۲-۵-۲. عدم تقییه
۵۹ ۳-۵-۲. استمرار عمل

۶۰	۲-۵-۴. تکرار فعل در موقعیت‌های مختلف
۶۰	۲-۵-۵. نقل سیره به وسیله معصوم دیگر
۶۱	۲-۶-۶. حجیت ظهورات فعل معصوم
۶۱	۲-۶-۱. تأسیس اصل اولی
۶۱	۲-۶-۲. دلایل حجیت ظهورات ناشی از فعل معصوم
۶۱	۲-۶-۱. کتاب
۶۲	۲-۶-۲. سنت
۶۳	۲-۶-۳. سیره متشرعه
۶۳	۲-۶-۴. بنای عقلا
۶۴	۲-۶-۵. عقل
۶۴	۲-۷-۷. انواع فعل صادر از معصوم و ظهور آنها
۶۴	۲-۷-۱. افعال بیانی
۶۵	۲-۷-۲. افعال طبیعی
۶۶	۲-۷-۳. افعال دنیوی
۶۸	۲-۷-۴. افعال عرفی
۶۹	۲-۸. تعارض قول و فعل
۷۳	فصل دوم: هویت معرفت‌شناختی زن از منظر علوی
۷۳	مقدمه
۷۴	۱. ماهیت و استعداد وجودی زنان
۷۴	۱-۱. مبدأ آفرینش انسانی زن از منظر علوی
۷۵	۱-۱-۱. کیفیت آفرینش حضرت حوا
۷۶	۱-۱-۲. تحلیل و بررسی روایات ضلع
۷۹	۱-۱-۳. رهیافت روایات ضلع
۸۰	۱-۲. برخورداری زنان از روح الهی در اندیشه علوی
۸۲	۱-۳. برخورداری زنان از کرامت انسانی در اندیشه علوی
۸۳	۱-۴. برخورداری زنان از حریت انسانی در اندیشه علوی
۸۴	۱-۵. برخورداری زنان از مقام خلیفه‌اللهی در اندیشه علوی
۸۶	۱-۶. برخورداری زنان از سایر خصایص انسانی
۸۷	۱-۷. قابلیت انحطاط و سقوط
۸۷	۱-۷-۱. برخورداری هر دو جنس از نفس
۸۸	۱-۷-۲. دشمنی شیطان با هر دو جنس انسان

فهرست مطالب • ۱۱

۹۰	۳-۷-۱. تأثیر وسوسه شیطان بر زنان
۹۱	۲. قابلیت و استعداد عقلی زنان
۹۱	۲-۱. روایات نقصان عقل زنان
۹۳	۲-۱-۱. بیان و بررسی سندی روایات نقصان عقل زنان
۹۵	۲-۱-۲. بررسی حجیت روایات نقصان عقل زنان
۹۶	۲-۱-۲-۱. نظریه پذیرش حجیت روایات نقصان عقل زنان
۹۷	۲-۱-۲-۲. نظریه نفی حجیت روایات نقصان عقل زنان
۹۹	۲-۱-۳. بررسی دلالتی روایات نقصان عقل زنان
۱۰۰	۲-۱-۳-۱. مفهوم‌شناسی واژه عقل
۱۰۲	۲-۱-۳-۲. تقسیمات عقل
۱۰۲	۲-۱-۳-۱-۲. عقل فطری و عقل اکتسابی
۱۰۳	۲-۱-۳-۱-۲-۲. عقل نظری و عقل عملی
۱۰۴	الف) مراتب عقل نظری
۱۰۵	ب) مراتب عقل عملی
۱۰۶	ج) تأثیر کمال عقلی عملی در تعالی عقل نظری
۱۰۷	۲-۱-۳-۲-۳. عقل معاد و عقل معاش
۱۰۷	۲-۱-۴. فقه الحدیث روایات نقصان عقل زنان
۱۰۷	۲-۱-۴-۱. نقد و تحلیل نظریات دلالتی نقصان عقل زنان
۱۱۱	۲-۱-۴-۲. تبیین نظریه مختار
۱۱۳	۲-۱-۴-۱-۲. قرائن و شواهد ناظر بر بحث
۱۱۶	۲-۱-۴-۲-۲. آیات و روایات مؤید بحث
۱۱۹	۲-۲. روایات منع مشورت با زنان
۱۲۰	۲-۲-۱. بررسی سندی روایات منع مشورت با زنان
۱۲۱	۲-۲-۲. بررسی دلالتی روایات منع مشورت با زنان
۱۲۲	۳. قابلیت و استعداد دینی زنان
۱۲۳	۳-۱. روایات نقصان دینی زنان
۱۲۵	۳-۲. روایات نقصان ایمانی زنان
۱۲۶	۳-۳. روایات طالب دنیا دانستن زنان
۱۲۷	۳-۴. روایات دال بر تضعیف ایمان مردان به واسطه زنان
۱۲۷	۳-۴-۱. روایات فتنه انگاشتن زنان
۱۲۸	۳-۴-۱-۱. بررسی سندی روایت

۱۲ • بازخوانی هویت زن در سنت علوی

- ۱۲۸..... ۳-۴-۱-۲. بررسی دلالتی روایت
- ۱۲۸..... ۳-۴-۱-۲-۱. معنانشناسی واژه فتنه
- ۱۳۰..... ۳-۴-۱-۲-۲. مقصود از فتنه بودن زنان در روایت
- ۱۳۰..... الف) جاذبه‌های جنسیتی
- ۱۳۱..... ب) تبرج و خودنمایی
- ۱۳۱..... ۳-۴-۱-۲-۳. حل تعارض حدیث فتنه بودن حب زنان با احادیث دوستی زنان
- ۱۳۲..... الف) مصداق‌شناسی نساء
- ۱۳۳..... ب) مفهوم‌شناسی حب زنان
- ۱۳۳..... ج) قضایای خارجی و شخصیه
- ۱۳۴..... ۳-۴-۲. روایات مانع عبودیت خدا دانستن زنان
- ۱۳۵..... ۳-۴-۳. روایات شر انگاشتن زنان
- فصل سوم: هویت فعلیتی خارجی زن از منظر علوی (رویکرد نظامی، سیاسی، حقوقی) .. ۱۳۹**
- ۱۳۹..... مقدمه
- ۱۴۰..... ۱. جایگاه و فعالیت‌های نظامی زنان در سنت علوی
- ۱۴۲..... ۱-۱. فعالیت اطلاعاتی زنان در عرصه جهاد
- ۱۴۲..... ۱-۱-۱. نامه ام‌فضل به علی (علیه‌السلام) در جریان جنگ جمل
- ۱۴۳..... ۱-۱-۲. نامه ام‌سلمه به علی (علیه‌السلام) در جریان جنگ جمل
- ۱۴۵..... ۱-۱-۳. اخبار اطلاعاتی همسر هشتم بن اسود در جریان جنگ صفین
- ۱۴۵..... ۲-۱. فعالیت فرهنگی تبلیغی زنان در عرصه جهاد
- ۱۴۵..... ۱-۲-۱. تشویق و تهییج مبارزان در کارزار
- ۱۴۶..... ۱-۱-۲-۱. ام‌البراء بنت صفوان
- ۱۴۷..... ۱-۱-۲-۲-۱. مناظره ام‌البراء با معاویه
- ۱۴۸..... ۲-۱-۲-۱. ام‌الخیر بنت الحریش البارقیه
- ۱۴۹..... ۱-۲-۱-۲-۱. مناظره ام‌الخیر با معاویه
- ۱۵۰..... ۲-۲-۱-۲-۱. شرح حضور ام‌الخیر در صفین
- ۱۵۳..... ۳-۱-۲-۱. ام‌سنان بنت خَیْثَمَه مَذْحِجِیَه
- ۱۵۳..... ۱-۳-۱-۲-۱. حضور ام‌سنان در صفین
- ۱۵۴..... ۲-۳-۱-۲-۱. مطالبات ام‌سنان از معاویه
- ۱۵۶..... ۴-۱-۲-۱. بگاره الهالیه
- ۱۵۶..... ۱-۴-۱-۲-۱. ملاقات بگاره با معاویه
- ۱۵۸..... ۵-۱-۲-۱. الزرقاء بنت عدی بن قیس همدانی

فهرست مطالب ● ۱۳

- ۱۵۹..... ۱-۲-۱-۵-۱. مناظره زرقاء با معاویه
- ۱۶۱..... ۱-۲-۱-۶. سوده بنت عماره همدانی
- ۱۶۱..... ۱-۲-۱-۶-۱. مطالبه حقوق و محاجه سوده با معاویه
- ۱۶۵..... ۱-۲-۱-۷. عكرشه بنت الأَطش بن رواحه
- ۱۶۶..... ۱-۲-۱-۷-۱. ملاقات عكرشه با معاویه
- ۱۶۷..... ۲-۲-۱. مرثیه‌سرایی و تسلی‌بخشیدن به رزمندگان
- ۱۶۷..... ۱-۲-۲-۱. فعالیت‌های امینه انصاریه
- ۱۶۸..... ۲-۲-۲-۱. فعالیت‌های ام ذریح العبدیه
- ۱۶۹..... ۳-۱. حضور فعال نظامی زنان در عرصه جهاد
- ۱۷۱..... ۴-۱. فعالیت تدارکاتی و درمانی زنان در جهاد
- ۱۷۲..... ۲. جایگاه و فعالیت‌های سیاسی زنان در سنت علوی
- ۱۷۳..... ۱-۲. تبیین فعالیت سیاسی بانوان در عصر نبوی
- ۱۷۴..... ۲-۲. تأیید و تحکیم فعالیت‌های سیاسی زنان در عصر علوی
- ۱۷۷..... ۳-۲. جایگاه سیاسی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)
- ۱۷۷..... ۳-۲-۱. تربیت سیاسی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)
- ۱۷۸..... ۲-۳-۲. مشروعیت سیاسی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)
- ۱۷۹..... ۲-۳-۴. روش‌های مبارزه سیاسی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)
- ۱۸۰..... ۲-۳-۴-۱. تهدید غاصبان خلافت
- ۱۸۰..... ۲-۳-۴-۲. تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی جامعه با گریه
- ۱۸۱..... ۲-۳-۴-۳. سخنرانی با تکیه بر مسئله فدک
- ۱۸۲..... ۲-۳-۴-۴. رایزنی سیاسی
- ۱۸۲..... ۲-۳-۴-۵. اعتصاب کلامی و سکوت سیاسی
- ۱۸۳..... ۲-۳-۴-۶. ایجاد انقلاب درونی در خانه‌ها
- ۱۸۴..... ۲-۳-۴-۷. وصیت‌نامه سیاسی
- ۱۸۶..... ۲-۴. فعالیت سیاسی ام سلمه همسر پیامبر
- ۱۸۷..... ۲-۴-۱. جایگاه سیاسی ام سلمه
- ۱۸۷..... ۲-۴-۲. پشتیبانی ام سلمه از فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)
- ۱۸۹..... ۲-۴-۳. جانبداری ام سلمه از حضرت علی (علیه‌السلام)
- ۱۸۹..... ۲-۴-۳-۱. نگهداری اسناد سیاسی
- ۱۹۰..... ۲-۴-۳-۲. روشنگری در جریان جنگ جمل
- ۱۹۲..... ۲-۴-۳-۳. مناظرات سیاسی ام سلمه و عایشه

- ۱۹۲..... ۴-۳-۴-۲. پراکنده کردن محفل توطئه‌گران
- ۱۹۳..... ۵-۳-۴-۲. مشاوره و نامه‌نگاری سیاسی
- ۱۹۴..... ۵-۲. فعالیت سیاسی میمونه بنت حارث بن حزن
- ۱۹۶..... ۱-۵-۲. میمونه و دفاع از ساحت علوی (علیه السلام)
- ۱۹۶..... ۶-۲. فعالیت سیاسی اسماء بنت عمیس
- ۱۹۸..... ۱-۶-۲. پشتیبانی اسماء از فاطمه زهرا (سلام الله علیها)
- ۲۰۰..... ۷-۲. روشنگری لیلی غفاریه
- ۲۰۱..... ۸-۲. شهادت آمنه بنت الشرید
- ۲۰۱..... ۹-۲. خطبه‌های سیاسی آروی بنت حارث بن عبدالمطلب
- ۲۰۲..... ۱-۹-۲. مناظرات سیاسی آروی در دربار معاویه
- ۲۰۵..... ۳. جایگاه و فعالیت‌های حقوقی زنان در سنت علوی
- ۲۰۶..... ۱-۳. جایگاه علمی قضائی حضرت علی (علیه السلام)
- ۲۰۸..... ۲-۳. اصل تساوی افراد در برابر عدالت و قانون
- ۲۰۹..... ۱-۲-۳. رعایت تساوی موقعیتی در قضاوت
- ۲۰۹..... ۲-۲-۳. رعایت تساوی جنسیتی در قضاوت
- ۲۱۰..... ۳-۲-۳. رعایت تساوی میان حر و عبد در قضاوت
- ۲۱۰..... ۳-۳. اصل فردی بودن مجازات‌ها
- ۲۱۱..... ۱-۳-۳. توجه به شرایط جسمانی خاص زنان
- ۲۱۲..... ۲-۳-۳. اتخاذ جنون به عنوان رافع مسئولیت کیفری
- ۲۱۳..... ۳-۳-۳. اتخاذ اضطرار به عنوان عامل موجهه جرم
- ۲۱۳..... ۴-۳-۳. توجه به اصلاح و بازپروری مجرم
- ۲۱۴..... ۴-۳. اصل کرامت انسانی و منع خشونت و شکنجه
- ۲۱۴..... ۱-۴-۳. صیانت از آبروی متهم
- ۲۱۵..... ۲-۴-۳. مبارزه با خشونت در امر قضا
- ۲۱۶..... ۳-۴-۳. منع از شکنجه در اقرار
- ۲۱۷..... ۵-۳. تبیین و تأسیس ادله اثبات دعاوی
- ۲۱۷..... ۱-۵-۳. استناد به قاعده فراش
- ۲۱۹..... ۲-۵-۳. استناد به قاعده اقدام
- ۲۲۰..... ۳-۵-۳. استناد به قاعده قرعه
- ۲۲۰..... ۴-۵-۳. پذیرش دادخواهی زنان مستند به ادله اثبات دعوی
- ۲۲۱..... ۶-۳. کاربرد دستاوردهای علمی در کشف حقیقت قضائی

فهرست مطالب • ۱۵

۲۲۲	۱-۶-۳. استناد به آزمایش‌های تجربی در اثبات جرم
۲۲۳	۲-۶-۳. استناد به حقایق علمی در تشخیص حق
۲۲۴	۳-۶-۳. استفاده از روان‌شناسی در کشف واقع
۲۲۸	۷-۳. استفاده از علوم غیبیه
۲۲۸	۱-۷-۳. حمایت حقوقی از زنان با استناد به علم غیب
۲۲۹	۲-۷-۳. حمایت از انساب و نسل‌ها با استناد به علم غیب
۲۳۳	فصل چهارم: هویت فعلیتی خارجی زن از منظر علوی (رویکرد خانوادگی، فرهنگی) ..
۲۳۳	مقدمه
۲۳۴	۱. جایگاه زنان در سیره خانوادگی حضرت علی (علیه السلام)
۲۳۵	۱-۱. جایگاه مادری نزد حضرت علی (علیه السلام)
۲۳۶	۲-۱. جایگاه دختران نزد حضرت علی (علیه السلام)
۲۳۹	۱-۲-۱. سیره علوی در مورد حضرت زینب (سلام الله علیها)
۲۴۰	۱-۱-۲-۱. استعداد و نبوغ علمی زینب کبری (سلام الله علیها)
۲۴۳	۲-۱-۲-۱. فصاحت و بلاغت زینب کبری (سلام الله علیها)
۲۴۴	۳-۱-۲-۱. حجاب و عفت زینب کبری (سلام الله علیها)
۲۴۴	۴-۱-۲-۱. جود و سخای زینب کبری (سلام الله علیها)
۲۴۵	۵-۱-۲-۱. زینب کبری امین اسرار امامت
۲۴۶	۲-۲-۱. سیره علوی در مورد حضرت ام کلثوم (سلام الله علیها)
۲۴۷	۱-۲-۲-۱. نقش حضرت علی در ازدواج ام کلثوم با خلیفه دوم
۲۴۹	۲-۲-۲-۱. همراهی ام کلثوم با امیرالمؤمنین در شرایط خاص
۲۵۱	۳-۲-۱. عدم تبعیض اجتماعی در مورد دختران علی (علیه السلام)
۲۵۳	۳-۱. جایگاه همسری نزد حضرت علی (علیه السلام)
۲۵۳	۱-۳-۱. همسران حضرت علی (علیه السلام)
۲۵۴	۱-۱-۳-۱. وفاداری امیرالمؤمنین به نخستین همسر
۲۵۴	۲-۱-۳-۱. امامه بنت ابی العاص
۲۵۵	۳-۱-۳-۱. فاطمه بنت حزام (ام البنین)
۲۵۷	۴-۱-۳-۱. سایر همسران حضرت علی (علیه السلام)
۲۵۸	۲-۳-۱. حکمت تعدد زوجات حضرت علی (علیه السلام)
۲۶۱	۴-۱. جلوه‌ها و اصول همسردهی حضرت علی (علیه السلام)
۲۶۱	۱-۴-۱. منزلت و جایگاه حضرت زهرا (سلام الله علیها) نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۲۶۱	۱-۱-۴-۱. مباحث و افتخار حضرت علی به همسری فاطمه (سلام الله علیها)

- ۲۶۲ ۲-۱-۴-۱. اثبات حجیت سیره فاطمی با سیره علوی
- ۲۶۴ ۳-۱-۴-۱. رکن ولایت بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) در بیان امیرالمؤمنین (علیه السلام). ۲۶۴
- ۲۶۶ ۴-۱-۴-۱. سیره علوی در بزرگداشت حضرت زهرا پس از شهادت
- ۲۶۸ ۲-۴-۱. سیره علوی در عرصه روابط زوجین
- ۲۶۸ ۱-۲-۴-۱. اصل رضایت‌مندی از زندگی مشترک
- ۲۶۹ ۲-۲-۴-۱. اصل تفاهم و همدلی زوجین در زندگی
- ۲۷۲ ۳-۲-۴-۱. اصل تقدم خواست همسر بر خویشان
- ۲۷۴ ۴-۲-۴-۱. اصل تلاش و ایثار برای تأمین نیازهای خانواده
- ۲۷۵ ۱-۴-۲-۴-۱. بررسی وضعیت اقتصادی شخصی حضرت علی (علیه السلام)
- ۲۷۵ الف) اوضاع اقتصادی حضرت امیر در کودکی
- ۲۷۶ ب) اوضاع اقتصادی حضرت امیر در جوانی
- ۲۷۸ ج) اوضاع اقتصادی حضرت امیر در میانسالی
- ۲۷۹ ۲-۴-۲-۴-۱. مصادیق ایثار برای تأمین معاش خانواده
- ۲۷۹ الف) توجه به تأمین نیاز همسر در شرایط خاص
- ۲۸۱ ب) وام گرفتن برای رفع نیاز
- ۲۸۲ ج) فروش وسایل شخصی برای تأمین مایحتاج
- ۲۸۳ د) پیشنهاد اشتغال به همسر به منظور تأمین معاش
- ۲۸۳ ۵-۲-۴-۱. اصل مشورت در خانواده
- ۲۸۴ ۱-۵-۲-۴-۱. مشورت برای تقسیم کار خانه
- ۲۸۵ ۲-۵-۲-۴-۱. مشورت برای فائق آمدن بر مشکلات زندگی
- ۲۸۶ ۳-۵-۲-۴-۱. مشورت در نام‌گذاری فرزندان
- ۲۸۷ ۶-۲-۴-۱. اصل شادی و تفریح در خانواده
- ۲۸۸ ۱-۶-۲-۴-۱. مراسم عروسی ساده و شاد
- ۲۹۰ ۲-۶-۲-۴-۱. رعایت حد و مرز شادی و نشاط در زندگی
- ۲۹۲ ۳-۶-۲-۴-۱. هدیه دادن به همسر
- ۲۹۳ ۷-۲-۴-۱. اصل مشارکت و تقسیم کار در امور خانه
- ۲۹۸ ۲. جایگاه زنان در سیره فرهنگی حضرت علی (علیه السلام)
- ۳۰۰ ۱-۲. مبارزه حضرت علی با جهل عمومی و ارتقای جایگاه علمی زنان
- ۳۰۱ ۱-۱-۲. ضرورت و اهمیت ارتقای علمی زنان در سنت علوی
- ۳۰۳ ۲-۱-۲. پیریزی شالوده آموزش در خانواده
- ۳۰۳ ۱-۲-۱-۲. همراهی علمی حضرت علی با حضرت زهرا (علیهما السلام)

فهرست مطالب • ۱۷

۳۰۸	۲-۲-۱-۲. تأکید بر آموزش دختران خانواده.....
۳۰۹	۳-۲-۱-۲. ارتقای سطح علمی بانوان خدمتکار خانه.....
۳۱۲	۳-۱-۲. ترویج عمومی دانش و آموزش بانوان در جامعه.....
۳۱۲	۱-۳-۱-۲. تنوع آموزش زنان در عصر علوی.....
۳۱۷	۲-۲. مبارزه حضرت علی با سنت‌های جاهلی احیا شده در خصوص زنان.....
۳۱۹	۱-۲-۲. رسوب اندیشه و بینش جاهلی در جامعه.....
۳۲۴	۲-۲-۲. نگرش به زن و چگونگی سلوک با وی در سیره خلفای پس از پیامبر.....
۳۲۴	۱-۲-۲-۲. اخلاق و منش خلیفه اول با زنان.....
۳۲۵	۲-۲-۲-۲. سیره و منش خلیفه دوم با زنان.....
۳۲۸	۳-۲-۲-۲. اخلاق و منش خلیفه سوم با زنان.....
۳۳۰	۳-۲-۲. مختصات فرهنگی عصر حکومت علوی.....
۳۳۲	۴-۲-۲. احیای فرهنگ نكوداشت زنان در سیره علوی.....
۳۳۲	۱-۴-۲-۲. حسن خلق و شفقت نسبت به زنان.....
۳۳۵	۲-۴-۲-۲. حمایت و دلجویی مادی و معنوی از زنان نیازمند.....
۳۳۶	۱-۲-۴-۲-۲. حمایت معنوی از ایتمام و زنان بی سرپرست.....
۳۳۸	۲-۲-۴-۲-۲. حمایت مادی از زنان سرپرست خانوار.....
۳۳۹	۳-۲-۴-۲-۲. آثار حمایت حضرت از دختران یتیم.....
۳۴۰	۳-۲. اعتباربخشی به جایگاه انسانی و هویت حقیقی زنان در جامعه.....
۳۴۱	۱-۳-۲. نفی هرگونه توجه شهوانی به زنان در اجتماع.....
۳۴۲	۲-۳-۲. فرهنگ سلام کردن به زنان.....
۳۴۳	۳-۳-۲. اجرای عدالت و حمایت از حقوق انسانی زنان.....
۳۴۵	۱-۳-۳-۲. نهي از ظلم و تعدی به زنان در خانواده.....
۳۴۷	۲-۳-۳-۲. اهمیت دادن به امر ازدواج دختران.....
۳۵۱	پی‌نوشت‌ها.....
۴۲۵	منابع و مأخذ.....
۴۵۱	نمایه.....

سخن ناشر



«لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولاً من أنفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل لفى ضلال مبين» (آل عمران: ۱۶۴).

حمد و ثنا خداوند بزرگ و ذات احدیت را که امتیاز و درجه عالمان و دانشمندان را در نزدیکی به جایگاه پر عظمت خویش قرار داد؛ همان‌که در این آیه شریف بر مؤمنان منت نهاد آنگاه که از نفس خودشان رسولی برانگیخت تا برای آنان آیات وحی بخواند و ایشان را بشارت و بیم دهد. به‌راستی مرتبت علم و دانش و فضل و معرفت در نزد خدا جایگاهی دارد که ذات احدیت به‌واسطه اعطای آن به آدمی بر بشریت منت نهاده است.

خداوند را شاکریم که در عصری که هنوز در برخی کشورهای جهان، زنان را واجد شرایط شرکت در محافل سیاسی، اجتماعی و علمی نمی‌دانند، خواهران گرامی ما در عرصه علم و تحقیق و پژوهش پیش می‌تازند و به‌جهت اراده استوار خویش، اندیشه‌ها را به تکاپو و قلم‌ها را به حرکت وامی‌دارند (رئیس محترم فقید دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) آیت‌الله مهدوی کنی (رحمة‌الله). این توفیق الهی است که یک مرکز داعیه‌دار علم و دانش بتواند در دستیابی به اهداف بلند خود، برنامه‌های خویش را بر مدار معرفت و دانایی قرار دهد، زیرا علم و معرفت از چنان قدر و منزلت و عظمتی برخوردار است که باید گام نهادن در مسیر آن را از الطاف الهی دانست. دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) - پردیس خواهران در طی سالیان گذشته افتخار این را داشته است که در

۲۰ • بازخوانی هویت زن در سنت علوی

این راستا هر چند مختصر و کوتاه گام‌هایی برداشته و افق بلندی را در چشم‌انداز علمی خود پیش‌رو دارد که البته برخی فعالیت‌ها به صورت راهبردی یعنی درازمدت و برخی فعالیت‌ها به صورت میان‌مدت و کوتاه‌مدت بوده است. از جمله فعالیت‌های این مرکز در بخش‌های علمی و آموزشی و پژوهشی، به انجام رسانیدن برخی طرح‌ها، پژوهش‌ها و انتشار آن در قالب کتاب می‌باشد که اهداف متعالی دانشگاه را در دستیابی به رویکردهای تعیین شده به پیش خواهد برد. در این راستا الگوی اسلامی ایرانی رشد و تعالی و پیشرفت در مسیر اهداف متعالی و بلند نظام جمهوری اسلامی، از رویکردهای نوینی است که در دستیابی به فعالیت‌های برنامه‌ای مورد توجه واقع می‌شود.

معاونت پژوهشی از زمان تشکیل تاکنون به این مهم توجه داشته و برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را به انجام رسانیده است. این معاونت تلاش دارد با عمق بخشیدن به این فعالیت‌ها و تهیه و تنظیم برنامه‌های راهبردی در راستای محقق نمودن پژوهش‌هایی علمی، راهبردی و کاربردی دانشگاه گام‌هایی را بردارد؛ و مطابق با ساختار علمی دانشگاه به عنوان سازمانی دانش‌بنیان، برنامه‌محور، توسعه‌گرا و تحول‌مدار برای پاسخ‌گویی به نیازهای رو به رشد جامعه فراگیران خود، تلاش دارد با نیازسنجی و پاسخ‌گویی به مطالبات به پژوهش‌های علمی خود به ویژه در شاخه‌های مطالعات زنان با گرایش‌های نسل جوان پاسخ دهد.

خوشبختانه این فعالیت مورد استقبال اساتید، دانشجویان و برخی محیط‌های علمی در استفاده و بهره‌برداری از برخی کتب چاپ شده بوده است. از کلیه کسانی که ما را در این مسیر یاری نموده‌اند تشکر و تقدیر نموده و از همه محققان و فرهیختگان گرامی جهت همکاری در امور علمی پژوهشی دعوت می‌نماییم.

اداره کل پژوهش - حوزه معاونت پژوهشی و فناوری
دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پردیس خاوران

مقدمه



یکی از بارزترین جنبه‌های مظلومیت حضرت علی (علیه‌السلام)، عدم پرداختن همه‌جانبه به مسئله زن در دیدگاه و سیره ایشان است. تبعی مختصر و ابتدایی در پژوهش‌ها و آثار موجود در سیره علوی، به روشنی حکایت از آن دارد که واکاوی اجتهادی سیره، و استنباط نظام جامع قانونی، و استخراج اصول حاکم بر عرصه زنان در سیره علوی؛ امری ثانوی و غیرضروری بوده، و از فروعات و زواید مباحث اصلیه است. زیرا فراوانی چشمگیر مباحثی همچون عدالت از منظر امام علی و... در برابر اقلیت معدود و محصور مسائل زنان، حاکی از عدم اولویت این مباحث، حتی در میان جامعه نسوان متفقه شیعه است.

از سویی گویا تنها رسالت آن معدود نوشتارهای باب زنان نیز، صرفاً پاسخ‌گویی به عناوینی چون نقصان ایمان، کاستی عقل و فرومایگی زنان در برخی اقوال امام علی (علیه‌السلام)، و تبیین، تفسیر، توجیه و تأویل این قبیل مباحث بوده است. این فراوانی تا به حدی است که اولین متبادر ذهنی عبارت زن در سیره امام علی (علیه‌السلام)، میان عوام و خواص، همان خطبه هشتماد نهج‌البلاغه [۲] و بحث نواقص الإیمان، نواقص الحظوظ، نواقص العقول، رد مشورت و این قبیل امور است.

حصول این نتایج این احتمال را متصور می‌سازد که گویا اساساً در سنت متأثر از امام علی (علیه‌السلام)، هیچ نگرش و فعلی در خصوص زنان، جز معدود موارد ملامت‌گر مذکور، وجود ندارد. چرا که در صورت توجه به سایر عرصه‌های وجودی زن، می‌بایست با نظر به ادعای شیعه و

۲۲ • بازخوانی هویت زن در سنت علوی

پیرو حضرت بودن، به آنها نیز پرداخته می‌شد.

مسئله است که فرضیه منتفی بودن حضور زنان در سنت علوی، حداقل با همان پژوهش‌های اندک موجود، به‌طور قطعی طرد می‌شود. زیرا از بدو خلقت تاکنون، در تمامی اعصار، زن موجودی ذی‌وجود بوده، و تمامی ملل و نحل ناگزیر به پذیرش وجود وی، و ارائه برنامه برای حیات او بوده‌اند. از آنجا که تنها مصداق تشکیل حکومت شیعی به رهبری امام معصوم، همان دوران کوتاه مدت حکومت حضرت علی (علیه‌السلام) است، به حکم عقل سلیم، ایشان می‌بایست سیاستی در خصوص زنان اتخاذ می‌نمودند. سیاست و برنامه‌ای که تنها در اقوال ایشان خلاصه نشده، و نمود میدانی و عملیاتی داشته باشد. پس لازم می‌آید تا به‌منظور ارائه تئوری‌های فردی و اجتماعی تشیع در خصوص زنان، به استخراج قوانین و اصول حاکم بر مسئله زن از دیدگاه حضرت علی (علیه‌السلام) پرداخته شود.

اما بررسی مسئله زن در سنت امام علی (علیه‌السلام)، چندان آسان نبوده و به عبارتی سهل ممتنع است. آنچه در نهج‌البلاغه و سایر متون رایج تاریخی و حدیثی به ایشان منسوب گردیده، آهنگی ملامت‌گر و تنقیص‌کننده دارد. همین امر است که زمینه گفت‌وگوها و داوری‌های متناقض را پدید آورده، و غالب مباحث مربوط به زنان در تفکر علوی را پوشش می‌دهد.

از این روی برای نشان دادن دیدگاه جامع حضرت علی (علیه‌السلام) درباره زن، تنها توجه به بخشی از سخنان ایشان نادرست است. زیرا سخنان ایشان تنها محدود به آنچه در نهج‌البلاغه آمده نیست، و در سایر منابع شیعی و سنی نیز پراکنده است. از سویی ارزیابی سندی، تدقیق در فروعات دلالی و نقد و تحلیل متون امر مهمی است که نباید از آن غفلت ورزیده، و به محض دیدن یک روایت بلافاصله آن را به حضرت علی (علیه‌السلام) منسوب نمود.

گذشته از واکاوی استنباطی اقوال حضرت، سیره رفتاری ایشان نیز نباید نادیده انگاشته شود. در واقع این افعال حضرت است که به اقوال ایشان جامه عمل پوشانیده، و محقق صدق و حقیقت این اقوال می‌باشند. بنابراین برای به‌دست آوردن رویکرد جامع علوی نسبت به زنان تنها بسنده کردن به چند قول معدود ناکافی بوده، و لزوم پرداختن به منش و رفتار عملی حضرت کاملاً محسوس خواهد بود. در علم اصول فقه این نگرش جامع در مورد تمامی شئون معصوم در قالب واژه «سنت» جلوه می‌یابد. با توجه به اینکه در نزد امامیه، سنت شامل فعل، قول و تقریرات معصومین (علیهم‌السلام) است، و با عنایت به اینکه بر طبق قول معصوم، وجوب و یا حرمت امری ثابت گردیده و در قلمرو شریعت جای می‌گیرد؛ باید بتوان براساس افعال و یا ترک فعل معصوم نیز احکام را استنباط نمود. اما همین‌که اساساً می‌توان قلمرو شریعت را با افعال معصوم

شناسایی کرد، و یا اینکه دلالت افعال معصوم بر احکام شرعی چگونه است، خود محل بحث و مناقشه اصولی است. در مکتب امامیه با وجود سنت دانستن فعل معصوم، برای تبیین قلمرو شریعت و تبیین احکام الهی کمتر به افعال معصوم استناد گردیده، و مغازی پیامبر و سیره معصومان در استنباط احکام چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

حال انگیزه این اثر از آنجا منبعث شده است که برخی سخنان و اقوال به ظاهر تنقیص‌کننده در خصوص زنان به حضرت علی (علیه‌السلام) منسوب است، که ذهن شارحان و متفکران را به خود معطوف ساخته و تحلیل‌های متناقضی را به هم رسانده است. از سویی برخلاف این اقوال ملامت‌گر، هر آنچه از سیره رفتاری و فعل حضرت در خصوص زنان، چه موافق و چه مخالف، به دست می‌آید نه تنها هیچ‌گونه تنقیص و ملامتی را درباره زنان نشان نمی‌دهد؛ بلکه در تمامی ساحات حیات زنان، حکایت‌گر تکریم و تعالی جایگاه ایشان و لزوم حفظ این مقام است.

از این روی بر فرض پذیرش سند و دلالت برخی روایات تنقیص‌کننده منسوب به حضرت؛ میان این اقوال، و فعل و منش تکریم‌کننده آن حضرت؛ ظاهراً تقابل و تناقض پدید می‌آید. بنابراین لازم است تا با تبیین مبانی حجیت فعل معصوم در نزد امامیه، و بررسی احتمالی موارد تعارض سنت با سنت که در اینجا قول و فعل معصوم است، از لحاظ اصولی به حل مشکل پرداخته شود. لذا باید ثابت نمود که بر فرض صحت سند اقوال منسوب به حضرت علی (علیه‌السلام)، آیا دلالت و مفهوم واقعی این سخنان در تعارض حقیقی با افعال ایشان است، و یا اساساً هیچ‌گونه تعارض و تباینی بین قول و فعل حضرت وجود نداشته و نه تنها مقابله‌ای ندارند بلکه ناصر و مؤید یکدیگر نیز می‌باشند.

بنابراین به منظور تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت زن در سنت علوی، ابتدا لازم است دیدگاه علوی در مباحث مربوط به هویت معرفتی زن، از بعد قوه، قابلیت، استعداد وجودی و جایگاه وی در هستی به دست آورد؛ و در مرتبه دوم، زن را در منظر علوی از حیث صورت، فعلیت و میزان ظهور و بروز توانایی‌هایش به نظاره نشست. بدین معنا که پس از تبیین معرفت‌شناختی هویت وجودی زن از دیدگاه علوی؛ ظهور و بروز هویت حقیقی وی در عرصه‌های مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و آموزشی، سیاسی، نظامی و حقوقی مورد بررسی قرار بگیرد.

در این راستا پژوهشگر بر آن است تا در گزارش سخنان و سیره فعلی، به استقصای کامل سنت علوی در منابع امامیه و عامه، بپردازد؛ تا در پرتو داده‌ها و نمونه‌های جامع و دقیق، تبیین مسئله به خوبی انجام پذیرد. در این بازخوانی لازم است تا اقوال و سیره، براساس نصّ قرآن و روح شریعت و معیارهای سنجش اسناد مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته و بعضاً آنچه تحت تأثیر

۲۴ • بازخوانی هویت زن در سنت علوی

فرهنگ‌های دیگر و یا اغراض و انگیزه‌ها وارد اسناد گشته، پالایش گردد. آنگاه به بررسی تعارض اقوال با یکدیگر، و در مرتبه بالاتر، به تبیین حجیت فعل معصوم و بررسی تعارض احتمالی قول و فعل رسیدگی گردد، تا امکان نتیجه‌گیری عقلایی، و ارائه الگوی جامع هویتی زن در سنت علوی فراهم آید.

فصل اول:

کلیات



باید اذعان داشت که زنان در طول تاریخ، از موقعیت مطلوب و شأن بالایی برخوردار نبوده، و غالباً مورد بی‌مهری و ظلم و ستم واقع می‌شدند. با رشد روزافزون آگاهی‌های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است و چگونه می‌توان حقوق از دست‌رفته زنان را استیفا کرد. در این راستا می‌توان گفت که ادیان الهی به‌ویژه دین خاتم، بیش از همه به احیای شخصیت والای زن همت گماشته‌اند، و خداوند متعال بهترین راه را برای سعادت و رستگاری بشر اعم از زن و مرد فراروی آنان گشوده است. معارف و الگوهای حیات‌بخش اسلام اگرچه در مسیر احیای شخصیت و جایگاه زنان تأثیرات زیادی داشته و دارد، ولی بسیاری از حقایق در پس ابرهای جهل و خرافه پنهان مانده و جامعه زنان هنوز نتوانسته است آن‌چنان‌که باید از میوه‌های شیرین فرهنگ دینی بهره‌مند گردد.

از سوی دیگر فرهنگ الحاد و کفر با تسلط بر امکانات مادی و مراکز ارتباطی و اطلاعاتی سعی در تحمیل الگوی ناقص خویش بر ملت‌های جهان دارد. آنان‌که هنوز از سودمندی دستاوردهای خویش مطمئن نیستند و از درون دچار چالش‌های عمیق و فراگیر شده‌اند، به تهاجم فرهنگی بر علیه کشورهای دیگر دست زده‌اند. از این‌رو ضروری است در دورانی که به «جاهلیت مدرن» موسوم گشته، پیش از آنکه تراث اسلامی مسلمانان در خصوص زنان تماماً به غارت رفته و

فرهنگی منحط جایگزین آن گردد، حسب مقتضیات زمان و مکان به شخصیت و جایگاه زن در اسلام، نگرشی مجدد داشته و با حفظ داشته‌های ارزشمند سابق، با رویکردی اصولی و کاربردی به استخراج الگوهای متعالی انسانی همت گماشته شود. در این راستا سنت پیامبر اکرم و اهل بیت معصومین (علیهم‌السلام)؛ اعم از اقوال، افعال و تقاریر ایشان، مهم‌ترین منبع مراجعه و استنباط اصول و احکام کلی و جزئی در همه امور، به‌ویژه عرصه مسائل زنان است. از آنجاکه در مکتب امامیه و به اعتراف تمامی منصفان عالم، علی (علیه‌السلام) عدل پیامبر بوده و حقیقت علوی شارح و مفسر حقیقت نبوی است، و جلوه‌های حکومتی نظام اسلامی پس از اتمام وحی، تنها در سیره علوی تجلی بارز دارد، لازم است تا با یک بازخوانی جامع از سنت علوی، به تبیین هویت حقیقی زن در اسلام پرداخته شود؛ تا از این رهگذر شبهات وارد بر اصل نظام اسلامی نیز زدوده گردد.

۱. تبیین مفاهیم

این قسمت از اثر به تعریف و تبیین واژگان و مفاهیم اساسی بحث، که در تعیین خط‌مشی تحقیق و سوددهی نگرش کلی حاکم بر بحث دخیل هستند، خواهد پرداخت.

۱-۱. مفهوم‌شناسی هویت

«هویت» اسم عربی، و به معنای تشخص است، که همین معنا بین متکلمین مشهور است. [۳] در فرهنگ معین، هویت یعنی آنچه که موجب شناسایی شخص باشد، (معین، ۱۳۸۰) و در فرهنگ عمید هویت حقیقت شیئی یا شخص است که مشتمل بر صفات جوهری او باشد (عمید، ۱۳۵۹). فلاسفه معتقدند: «هویت» مشتق از «هُوَ» است و «هویت شیئی» یعنی وجود و شخصیت شیئی (ابن رشد، ۱۹۸۶م: ۱۱) ایشان آنچه شیئیت شیئی به اوست، به اعتبار تحقق، «حقیقت» نام نهاده‌اند و به اعتبار تشخص «هویت» گویند (تفتازانی، ۱۳۹۳: ۲۰).

«هویت» گاهی بر وجود خارجی اطلاق می‌شود، و گاهی بر ماهیت همراه با تشخص خارجی اطلاق می‌گردد که عبارت است از حقیقت جزئی، (التهانوی، ۱۹۶۳م، ج ۲: ۲۴۱) که همین معنا مورد توجه ابن سینا نیز بوده است، زیرا او لفظ «هذا الشمس» را که شخص واحد و جزئی شمس است، «هویت شمس» گوید (ابن سینا، ۱۳۶۴: ۱۴۶). جرجانی در کتاب «التعریفات» هویت را امر عقلانی از حیث امتیاز شیئی از دیگران می‌داند، (الجرجانی، ۱۹۷۱م: ۱۲۴) که مراد از امتیاز در اینجا تفاوت داشتن و تعدد داشتن است و نه برتر بودن.

صاحب‌نظران در خصوص تفاوت ماهیت و هویت معتقدند که کلمه «ماهیت» به معنای «چیستی» است که در مقابل «وجود» و «هستی» می‌آید. در کلمه «ماهیت»، «ما» را «ما»ی

کلیات • ۲۷

استفهامیه دانسته و می‌گویند: «ما هی هی؟» یا «ما هو هو؟» فلان چیز چیست؟ و سپس از عبارت «ما هی هی؟» مصدر ساخته‌اند به این صورت که یک «تا»ی مصدری اضافه کرده و «ماهیت» ساخته شده است (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۸: ۱۴۷). بنابراین مقصود از ماهیت یا ذات ماهیت یک چیز، همان جنس و فصل، و ذات و ذاتیات یک چیز است.

اما کلمه «هویت» در واقع به معنای «هو هویت» یا «الذی به الشیء هو هو» است. مقصود از آن تشخیص و تحقق است؛ یعنی آن چیزی که مناط تشخیص و تحقق شیء است. در این صورت باید گفت؛ واژه هویت معنای وسیع‌تری دارد که شامل ماهیت نیز می‌شود؛ زیرا هنگامی که مناط تشخیص و تحقق دانسته شد، ماهیت نیز به نوعی شناخته می‌شود. به بیان دیگر، «هویت» از مفاهیم ذات الاضافه و کلمه سیالی است که با آن می‌توان به مجموعه وجود و ماهیت چیزی اشاره کرد (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۲۴)، البته گاهی این دو واژه به صورت مترادف در کنار هم یا به جای یکدیگر ذکر می‌شوند، (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۲۲ و ج ۶: ۷۳۰). اما در حقیقت ماهیت حد شیء بوده و بیانگر مرزی است که خارج از آن، شیء دیگر شیء نیست؛ و هویت، ذات شیء و بیانگر درونی‌ترین ویژگی‌های شیء است. میان هویت و ماهیت، تلازم برقرار است؛ بدین معنی که هرکدام از آنها ناظر به دیگری تعریف می‌شود به گونه‌ای که نمی‌توان بدون آگاهی از ماهیت شیء، به درک درستی از هویت آن نائل آمد و برعکس.

در اصطلاح امروزی هویت مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیاتی است که یک فرد را از دیگران متمایز می‌کند (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۶؛ گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۱۱). در واقع هویت مجموعه‌ای از عوارض و اوصاف پایدار است که انسان به اعتبار آن از دیگران متمایز می‌شود. هویت در نحوه پاسخ‌دهی به سؤال «من کیستم؟» مشخص می‌شود که در پاسخ به آن «من هستم» بروز می‌یابد (Woodward, 2000: 1).

اما در حقیقت امر هویت به وسیله اجتماع تعریف و به وسیله دیگران تشخیص داده می‌شود و نه فقط به وسیله من (Woodward, 2000: 213).

اریکسون روان‌شناس معروف قرن حاضر که نام او با هویت پیوندی عمیق دارد احساس هویت را هماهنگی ادراکی فرد از خویشتن با ادراک دیگران از او تعریف می‌کند و هویت‌یابی را در مقابل بحران هویت یا «بی‌هویتی»، پدیده‌ای روانی - اجتماعی می‌داند که در دوره نوجوانی ظهور می‌کند (شاملو، ۱۳۸۲: ۷۵؛ شولتز، ۱۳۷۸: ۲۲۳).

بنابر گفته اریکسون، مفهوم هویت معانی بسیاری دارد و تنها از طریق ژرف‌نمایی‌های متعدد قابل فهم است. سه عنصر درونی در احساس هویت نقش مرکزی را بازی می‌کنند: یکی، ویژگی‌های

بیولوژیکی، که در خلال بزرگ شدن فرد تغییر پیدا می‌کنند؛ دیگری، نیازها، علائق و احساسات روان‌شناختی، و دیگری، سابقه اجتماعی و فرهنگی انسان (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۷۵: ۷۷۸).

از نظر کاستلز، هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است. وی هویت را فرایند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی با مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی دانسته است که بر منابع معنایی دیگر اولویت داشته باشد (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۱۳).

گیدنز نیز در تعریف «هویت خود» بر خصلت متمایزی که شخص بر حسب زندگی‌نامه‌اش به‌طور بازتابی می‌فهمد، تأکید دارد که به‌نظر می‌رسد برداشت دقیق و ظریفی از تعامل فرد و جامعه باشد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۱۱). اما جنکینز با این مفروضه که هویت فرد، ساخته اجتماع است، معتقد است که واژه هویت دو معنا دارد: اول «تشابه مطلق» و دوم «تمایز». بر این اساس، مفهوم هویت به‌طور همزمان میان افراد یا اشیا دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد؛ از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵). در واقع هویت در دو مرحله «شناسایی» و طبقه‌بندی کردن اشیا و افراد، و «تثبیت» آنها در ارتباط با چیزها یا دیگران، تعیین یافته، و در ارتباط با دیگران معنا می‌یابد. در مجموع هویت دارای چهار بُعد است: تشابه، تفاوت، شناسایی و تثبیت. تثبیت در بافت روابط اجتماعی که بر درجه‌ای از بازتابی بودن دلالت دارد، به‌معنای درک ضرورت حضور دیگران برای تبیین مفهوم هویت است. در واقع هویت را صرفاً می‌توان همچون بودن یا شدن فهم کرد که هیچ‌گاه تمام و حل شده نیست (گیدنز، ۱۳۸۲: ۶). به‌همین ترتیب هویت را باید در چهارچوب الگوی دیالکتیکی درونی - برونی درک نمود؛ یعنی حاصل تعامل من مفعولی با من فاعلی است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۶۹).

براساس تعاریف فوق هویت به دو هویت فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. هویت اجتماعی [۴] و گروهی، مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به‌طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵).

مباحث مربوط به طرح هویت، هرچند در آغاز متوجه موضوع بحران هویت بود، ولی مسیر بعدی آن به سمت بازسازی هویت، در جوامع گوناگون کشیده شد. با پیدایش مدرنیته، برداشتی از هویت اجتماعی انسان‌ها، همچون سوژه یکپارچه، متحد و متمرکز، شکل گرفت. دگرگونی‌های به‌وجود آمده در جوامع مدرن، باعث بحران هویت در میان انسان‌ها گردید. به‌گونه‌ای که این بحث، هنوز در کانون توجه علوم اجتماعی، به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی قرار دارد. در پایان سده

نوزدهم، بحث بازیابی هویت اجتماعی یا «من اجتماعی» به جای هویت فردی، کانون توجه بود، تا میان دنیای شخصی و اجتماعی افراد، ارتباط برقرار سازد و بر مبنای فرهنگ متحدالشکل، هویت اجتماعی را به وجود آورند؛ این مسئله نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان پذیر می سازد؛ بلکه به زندگی افراد هم معنا می بخشد. در ضمن فرایندی برای خودشناسی کنش گران اجتماعی بوده و معناسازی نیز به واسطه آن صورت می گیرد (احمدی، ۱۳۸۵: ۴۳-۴۸).

صاحب نظران معتقدند که بیشترین برداشت افراد از خویشتن، به برداشت و تصور دیگران نسبت به ما وابسته است. اگر نگرش دیگران در مورد ما تغییر کند، برداشت ما نیز از خودمان تغییر خواهد نمود. بنابراین «من» یا «خود» در افراد، تحت تأثیر دیگران قرار دارد؛ زیرا رفتار و هویت افراد تا زمانی ثابت و قابل پیش بینی است که میان تصور فرد از خود و نگرش دیگران نسبت به او ثبات و هماهنگی وجود داشته باشد. اگر فرد به این نتیجه برسد که طرز تلقی دیگران به رفتار او تغییر کرده، هویت خود را تغییر می دهد. بر این اساس «من فاعلی» یا هویت فردی و «من مفعولی» یا هویت اجتماعی، در جریان تجارب و فعالیت های اجتماعی شکل می گیرد. من فاعلی بیانگر وجهه نظر دیگران و من مفعولی مجموعه ای سازمان یافته از نظرات متظاهر دیگران است؛ که حاصل مجموعه ای از رفتارهای شکل گرفته بر اساس آموخته رفتار اجتماعی است. من اجتماعی، تبلور ارزش ها، هنجارها و اخلاقیات جامعه است (توسلی، ۱۳۸۴: ۲۸۱). پس هویت هر شخصی لزوماً ذات آن شخص نیست؛ بلکه هویت، فرایند معناسازی است که در طی زندگی روزمره و مکانیسم های آن ساخته می شود. هویت، هرگز ثابت نیست، بلکه متطور، متحول یا دینامیک است (الطایی، ۱۳۸۲: ۳۹).

هویت از اجزای واقعیت های ذهنی است؛ که در رابطه دیالکتیکی فرد با جامعه قرار داشته و در فرایندهای اجتماعی شدن شکل می گیرد و پس از به ظهور رسیدن، به حال خود باقی مانده و یا در برخی موارد، تغییر می کند و بر اساس روابط جدید از نو شکل می گیرد. فرایندهای تشکیل دهنده هویت اجتماعی، بر اساس ساختار اجتماعی تعیین می شوند. هویت نیز، که متأثر از روابط اجتماعی نسبت به ساختار اجتماعی، واکنش نشان می دهد، باعث تغییر آن شده یا موجب حفظ و بقای آن می گردد. ساختار اجتماعی می تواند موجب پیدایش انواع هویت اجتماعی در افراد شده و به خوبی قابل تشخیص باشد؛ لذا به وضوح می توان، هویت فرد آسیایی را از فرد اروپایی تشخیص داد. تنوع هویت ها فرآورده های اجتماعی ای هستند که عناصری نسبتاً ثابت و پایدار دارند (برگر و لوکمان، ۱۳۷۵: ۲۳۶-۲۳۷).

هویت اجتماعی خصلت یا خصیصه همه انسان ها به عنوان موجوداتی اجتماعی است و بر

۳۰ • بازخوانی هویت زن در سنت علوی

درک افراد از خود استوار بوده و ذاتی نیست؛ بلکه محصول توافق و عدم توافق میان افراد است. آنچه یک گروه انسانی را هویت می‌بخشد، شباهتی است که باعث تفاوت آنها از گروه‌های دیگر می‌شود. شباهت و تفاوت، معناهایی هستند که افراد، آنها را می‌سازند. فرهنگ جوامع بشری نیز، فرایند تفاوت و شباهت را عینیت می‌بخشد. بدین ترتیب، ابزارهای فرهنگی هویت‌ساز هم به نوبه خود، باعث شکل‌گیری مقوله‌های هویتی در بین جوامع بشری می‌شوند. زبان، مذهب، پوشاک، علایق زیباشناختی، تفریحات و سرگرمی، ورزش، تغذیه و غیره، مواردی هستند که باعث شباهت درون‌گروهی و تفاوت برون‌گروهی می‌شوند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷-۸).

هویت اجتماعی افراد، براساس عضویت آنها در گروه‌های اجتماعی تعیین می‌شود؛ زیرا هویت به وسیله روابط میان نیروهای فرهنگی و اجتماعی ساخته می‌شود. بنابراین افراد مانند ابزاری در دست جامعه و فرهنگ‌اند؛ که به واسطه آنها وجود خود را نمایان می‌سازند (فی، ۱۳۸۳: ۹۳-۹۴) این مقوله به طور مداوم و روزمره، در زندگی افراد ایجاد شده و در فعالیت‌های بازتابی انسان، مورد حفاظت و پشتیبانی قرار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

در نتیجه بر مبنای مفهوم‌شناسی فوق، حقیقت واژه هویت اعم از مفهوم ماهیت بوده، و مجموعه نگرش‌ها و ویژگی‌هایی است که یک فرد یا گروه را از دیگران متمایز می‌کند. این پژوهش در نظر دارد تا در دو بخش معرفت‌شناختی و فعلیتی هویت و تمامیت زن در مکتب علوی را بازشناسی و معرفی نماید. [۵]

۱-۱-۱. مفهوم نقش جنسی

جنسیت، مفهومی جامعه‌شناختی است و با واژه جنس، متفاوت است؛ زیرا جنسیت، زنان و مردان را بیش از طبقه‌بندی طبیعی آنها، از نظر اجتماعی طبقه‌بندی می‌کند و افزون بر آن، بر تقسیم‌بندی زنان و مردان و روابط سلسله‌مراتبی بین آنها تأکید می‌کند (Jackson & Scott, 2002: 20) در تعریف جنس، به آن دسته از تفاوت‌های بیولوژیکی و آناتومیکی توجه می‌شود که زنان و مردان را از هم متمایز می‌سازد. در صورتی که جنسیت، انتظارات اجتماعی از رفتار مناسب هر جنس است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۳۶).

اصطلاح جنسیت فقط زمانی استفاده می‌شود که به جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی مربوط به زنان و مردان توجه شود. جنسیت و اجزای آن مانند کلیشه‌های نقش جنسیتی، هنجارهای جنسیتی، نقش‌های جنسیتی و هویت نقش جنسیتی در پیوستی از زنانگی و مردانگی، متغیر هستند و جنسیت باید مستقل از جنس زیستی فرد باشد (Paludi & Doyle, 2002: 6). جنسیت به‌عنوان یک دوگانگی اجتماعی، با یک دوگانگی طبیعی تعیین می‌شود. می‌توان

کلیات • ۳۱

جنس را ظرف و جنسیت را مظهر در نظر گرفت. مظهر ممکن است در برخی موارد، متغیر باشد، ولی ظرف، ثابت است؛ چون قسمتی از طبیعت است و طبیعت تغییر نمی‌کند (Dephy, 2002: 52) نقش واژه‌ای است که از تئاتر به علوم اجتماعی راه یافته (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۳۵). و در گذر زمان دچار دگرگونی شده است. [۶] نقش را به اختصار می‌توان رفتارها، گرایش‌ها و نگرش‌هایی شمرد که یک فرهنگ برای یک گروه اجتماعی مناسب می‌داند. در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی مانند آموزگاری، پزشکی و... مجموعه روشنی از انتظارات وجود دارد، مانند شیوه لباس پوشیدن، رفتار با مراجعان و قضاوت کردن. به عبارت دیگر می‌توان نقش‌ها را بیان‌کننده نوع روابط میان دارندگان یک موقعیت با دارندگان موقعیت‌های دیگر دانست. نقش‌های اجتماعی انتظاراتی یک جامعه را به صاحبان موقعیت ابلاغ می‌کند. [۷]

نقش جنسی نیز الگوهای رفتاری دو جنس است که مورد تأیید و پذیرش اجتماع قرار گرفته و فرد خود را با آن همانندسازی کرده است. به عبارت دیگر نقش جنسی آن چیزی است که فرد برای شناساندن خود به منزله یک مرد یا زن می‌گوید یا انجام می‌دهد [۸]، و فرهنگی خاص آن رفتارها، نگرش‌ها و انگیزه‌ها را برای مردان و زنان شایسته و مناسب می‌داند و ایشان را بدان تشویق می‌کند (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۶۴۸).

مفهوم نقش با مفهوم موقعیت اجتماعی رابطه دارد. موقعیت یا پایگاه، جایگاهی در ساختار اجتماعی است که فرد آن را اشغال می‌کند؛ اما نقش جنبه عملکرد سازمانی‌ای است که از اشغال‌کننده موقعیت انتظار دارند. گرچه معنای نقش با موقعیت متفاوت است بسیاری نقش را به تسامح یا اشتباه در معنای موقعیت به کار می‌برند (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۴۹).

۱-۱-۲. مفهوم هویت جنسی زنان

در اوایل دهه ۱۹۷۰ فمینیست‌ها دو واژه جنس [۹] و جنسیت [۱۰] را برای اشاره به تفاوت‌های میان مرد و زن به کار گرفتند. جنس به تفاوت‌های بیولوژیک که منشأ زیست‌شناسی دارد اطلاق می‌شود و جنسیت به تفاوت‌هایی اشاره می‌کند که ریشه در فرهنگ دارد. از نگاه آنان تفاوت‌های طبیعی زن و مرد به تفاوت‌های بدنی محدود می‌شود و تفاوت‌های روانی، رفتاری و ذهنی همگی ریشه در فرهنگ مردسالار دارد.

در این نگاه، خانواده مهم‌ترین نهادی است که به بازتولید و تقویت تفاوت‌های جنسیتی و استمرار مردسالاری می‌پردازد. از آن پس، اهتمام فمینیست‌ها به ارائه راهبردهایی برای از میان بردن تفاوت‌های جنسیتی معطوف شد و از میان بردن کلیشه‌های جنسیتی در تمامی عرصه‌ها به یکی از مهم‌ترین شعارهای فمینیستی بدل گردید.

تأثیر این نگاه در اسناد و متون بین‌المللی نیز به سرعت آشکار شد، به گونه‌ای که امروزه نهادهای بین‌المللی به حذف کلیشه‌های جنسیتی و ایجاد تحولات اساسی در خانواده به منظور تغییر نگرش‌ها در این زمینه اهتمام نموده‌اند. وجود نقش‌های جنسی، اعمال رفتارهای متفاوت و اجرای حقوق متفاوت از مواردی است که باید به سرعت از میان برود و در این میان، آموزش نقش‌های اساسی ایفا می‌نماید.

این تقسیم‌بندی از نظر دیگران، از جمله زیست‌شناسان با اشکال‌های اساسی مواجه است. از یک سو به فرض پذیرش این تقسیم‌بندی، تعیین دقیق مصادیق تفاوت‌های جنسی و جنسیتی و از مقوله جنسیت، دانستن بسیاری از تفاوت‌ها، سخنی بی‌دلیل است و از سوی دیگر، عدم ارتباط میان تفاوت‌های جنسیتی و امور جنسی نیازمند دلیل. اینکه برخی زنان به منظور برخورداری از روحیات مردانه از جمله قدرت مدیریت با تزریق هورمون جنسی مذکر به چنین حالاتی دست می‌یابند، نشان می‌دهد که نمی‌توان همه اموری را که جنسیتی تلقی می‌شود، ساختگی و غیرمرتبط با طبیعت زنانه و مردانه دانست.

از بررسی آموزه‌های دینی می‌توان دریافت که تفاوت‌های تکوینی، تفاوت‌هایی که در اغلب زنان نسبت به اغلب مردان مشاهده می‌شود، به تفاوت در اندام‌های جنسی محدود نمی‌شود و تفاوت‌های روانی، ذهنی و رفتاری را نیز در برمی‌گیرد. این تفاوت‌ها نمودی از حکمت خداوند و انتظارات متفاوتی است که دستگاه خلقت از زن و مرد دارد. البته این تفاوت‌ها نشانه ارزشمندی هیچ‌یک بر دیگری نیست، بلکه سند کارایی‌های هر یک در مسیر مورد انتظار و عاملی برای پیوند میان زن و مرد است. انتظارات مختلف علاوه بر آنکه منشأ تفاوت‌های طبیعی است، می‌تواند ارزش‌های جنسیتی را نیز تولید نماید. این تفاوت‌ها خود به تفاوت‌هایی در حقوق، آموزش و دسترسی به منابع و فرصت‌ها منجر می‌شود. با قبول نگرش دینی می‌توان مهم‌ترین مشکل جامعه زنان یا دست‌کم یکی از مهم‌ترین مسائل آنان را اختلال در هویت و نقش جنسی آنان دانست.

منظور از هویت جنسی در این مقال تصویر و احساسی است که زن از زن بودن خود دارد و انتظاراتی است که تحت تأثیر وراثت، تربیت و فرهنگ به‌عنوان زن برای خود تعریف می‌کند، به گونه‌ای که اگر از وی پرسش شود زن چیست، تفاوت‌های زن و مرد کدام است و چه انتظاراتی از زن بجا و چه انتظاراتی نایجاب است، براساس آن احساس و تصویر، پاسخ می‌دهد. در اینجا پاسخ فردی که تفاوت زن و مرد را صرفاً به تفاوت‌های بیولوژیک در اندام‌های جنسی محدود می‌بیند، با پاسخ فردی که تفاوت‌ها را به تفاوت در گرایش‌ها، عملکرد ذهنی و رفتارها نیز تعمیم می‌دهد، کاملاً متفاوت است. ویژگی‌های طبیعی و انتظارات خانواده و جامعه از شخص به‌عنوان زن، از

عوامل مهم شکل‌گیری هویت جنسی است.

منظور از نقش جنسی نیز رفتارهایی است که شخص در قالب گفتار و کردار انجام می‌دهد تا زن یا مرد بودن خود را آشکار نماید و روش‌هایی است که انتظار داریم زنان و مردان با آن روش‌ها رفتار کنند.

اگر معیار در تبیین هویت جنسی را متن خلقت (طبیعت متفاوت زن و مرد) و متون وحیانی بدانیم، اختلال در هویت و نقش جنسی به این معناست که شخص تصویری از هویت زنانه یا مردانه خود دارد که نه با طبیعت وی همخوان است و نه با آنچه از وحی در تبیین تفاوت‌های زن و مرد می‌شناسیم و در حیات فردی، زندگی خانوادگی و اجتماعی به‌گونه‌ای سلوک می‌کند که با مسیری که فطرت و وحی به آن رهنمون می‌سازند، بیگانه است. نتیجه پذیرش هویت متمایز و قبول نقش‌های متفاوت چند چیز است:

اول: سازگاری نقش‌ها با طبیعت زنانه و مردانه و هم‌نوایی اعتقاد، گرایش و عمل با طبیعت و فطرت به نشاط و رضایت‌مندی منجر می‌شود. این احساس رضایت‌مندی نتیجه وجود تعادل میان درون و برون، ذهن، قلب و جوارح است.

دوم: نقش‌های متفاوت و مکمل زن و مرد در حیات خانوادگی به تعادل کارآمدی خانواده می‌انجامد و ناپایداری، کشمکش و خمودگی را در خانه به حداقل می‌رساند. در این جاست که خانواده می‌تواند ایفاگر مهم‌ترین نقش‌ها و محل پرورش انسان‌های متعالی گردد. در چنین خانواده‌ای نقش منحصر به فرد زن در حمایت عاطفی و ایجاد تعادل روانی، کنترل مصرف و ایجاد روحیه قناعت، توسعه عفاف و معنویت و رشد فضایل اخلاقی، خود را نشان می‌دهد.

سوم: نقش مهم زن در توسعه اجتماعی خود را نشان می‌دهد. اگر بپذیریم که مهم‌ترین رکن توسعه اجتماعی، نیروی انسانی است، زنان در پرورش نیروهای انسانی متعادل، متخلق، قانع، علم‌دوست، کاری، بانشاط و همگرا، بیشترین سهم را ایفا می‌کنند. به‌علاوه حضور اجتماعی آنان به‌گونه‌ای است که فضای اجتماعی را به عطر عفاف، مهربانی و همگرایی معطر می‌سازد.

چهارم: با پیشرفت جوامع و به‌وجود آمدن ظرفیت‌ها و شرایط جدید، نقش‌های جدید اجتماعی و خانگی متناسب با جنسیت تولید می‌شود که نه تنها مزاحم ایفای نقش‌های زنانه نیست، بلکه آنان را در آن مسیر تقویت و کارآمد می‌سازد. این مسئله در عصر جدید اهمیتی فوق‌العاده می‌یابد. به‌عنوان نمونه، پیشرفت‌های جدید در عرصه فناوری اطلاعات این فرصت را فراهم می‌آورد تا زنان جهان به‌ویژه زنان جهان اسلام مسائل مشترک خود را به بحث بگذارند، از یافته‌های علمی در مسیر توانمندسازی زنان بهره‌گیرند، در برابر هجوم ارزش‌های مادی مواضع مشترک و

۳۴ • بازخوانی هویت زن در سنت علوی

مستحکمی اتخاذ کنند و ارزش‌های زنانه از جمله عفاف و کنترل مصرف را از مرحله شعار به برنامه عمل مشترک زنان مسلمان در برابر ارزش‌های مادی تبدیل کنند و براساس محور ارزش‌های متعالی گروه تشکیل دهند و در مسیر کم کردن وابستگی اقتصادی خانواده و اجتماع به قدرت‌های سلطه‌گر، گام‌های اساسی بردارند.

پنجم: از مهم‌ترین آثار پذیرش هویت و نقش‌های متمایز و به‌کارگیری صحیح توانمندی‌های زنانه، احساس ارزشمندی است. آنگاه که زن احساس می‌کند خداوند، خود او و جامعه از وی انتظاراتی خاص دارند که می‌تواند در آن مسیر به‌خوبی ایفای نقش کند، هم از زن بودن خود احساس رضایت می‌کند و هم تدبیر خداوند نسبت به خود را که در قالب اعطای توانمندی‌های خاص و آموزه‌ها و قوانین ویژه جلوه‌گر شده است، می‌ستاید. از سوی دیگر، اختلال در هویت و نقش جنسی که به معنای عدم پذیرش تمایز در هویت و تفاوت در نقش‌هاست، پیامدهایی خواهد داشت:

(۱) اگر جامعه تصویری از هویت زنانه نمایش دهد که با تصویر زن از خود، متفاوت باشد و نقش‌هایی را مطالبه کند که زن به ایفای آن علاقه‌مند نیست، یا به عبارت دیگر جامعه از زن نقش‌های متفاوت بطلبد و او تشابه نقش‌ها را برگزیند، باید شاهد بروز تنش‌های خانوادگی و اجتماعی باشد و اگر هم خود شخص به تعریف واحد و جدیدی از هویت دست‌یافته و تفاوت نقش‌ها را برنتابند، برخی تعارضات کمتر می‌شود اما باز باید شاهد از خودبیگانگی و عدم تعادل شخصیتی باشیم، چه آنکه تصویری که زن تحت تأثیر فرهنگ مسلط از خود نشان می‌دهد، با ساخت تکوینی و فطری وی همخوان نیست.

(۲) زمینه‌های تخاصم میان زن و مرد در روابط خانوادگی گسترده می‌شود، چون مرد و زن هر یک به فراخور خویش، از درون به موقعیت‌ها و رفتارهایی متفاوت خوانده می‌شوند. عدم توجه به این فراخوان طبیعی و اتخاذ نقش‌ها و موقعیت‌های یکسان سبب می‌شود که افسردگی و عدم تعادل شخصیتی در رفتارهای خانوادگی تجلی یابد. به‌عنوان مثال، مرد از درون خویش به مدیریت و حمایت فراخوانده می‌شود، در حالی که همسرش او را به مدیریت نمی‌شناسد یا زن از درون به انعطاف و جلب محبت فراخوانده می‌شود، ولی به این نیاز پاسخ مناسب نمی‌دهد. پیامد این افسردگی درونی بروز رفتارهای سخیف، خشونت و کاهش تحمل‌پذیری و رضایت‌مندی است.

(۳) به دلیل عدم پذیرش کارکردهای خاص و در نتیجه عدم اقدام در به‌کارگیری صحیح استعدادها و ویژه، کارآمدی هر دو جنس در حیات خانوادگی و اجتماعی کاهش می‌یابد. اصولاً کارآمدی خانواده در مسیر اهداف اسلام، منوط به حفظ مرزهای جنسیتی و نقش‌های ویژه، به‌ویژه نقش‌های زنانه‌ای چون همسری، مادری و کنترل سبب هزینه‌های خانواده است. اختلال در نقش‌های

کلیات • ۳۵

مردانه نیز بیش از هر چیز زندگی زنان و حیات خانوادگی را با مخاطره مواجه می‌سازد چنان‌که خلع مردان از مقام نان‌آوری و حمایت‌گری، آرامش زنان و فرزندان را تهدید می‌کند و تضعیف جایگاه نظارتی و هدایتی پدر به افزایش عصیانگری و میل به بزهکاری در نوجوانان می‌انجامد.

۴) احساس تنفر از نقش‌های ویژه زنان مثل مادری، همسری و خانه‌داری جان‌شین احساس نشاط می‌شود و چنین نقش‌هایی، کلیشه‌ای و خسته‌کننده قلمداد می‌گردند. در چنین حالتی، طبیعی است که برای کارآمد کردن هر چه بهتر نقش‌های زنانه برنامه‌ریزی خاصی هم انجام نشود و به دلیل عدم برنامه‌ریزی برای روزآمدی و کارآمدی نقش‌های زنانه از یک‌سو، و به دلیل شتاب در تحولات خانوادگی و اجتماعی در جوامع جدید از سوی دیگر، نقش‌های زنانه در عمل دست‌وپاگیر، کم‌اثر و مانعی در مسیر تحولات شمرده می‌شود.

۵) با کم‌اثر شدن نقش‌های زنانه و خروج زن از موضع اقتدار و کارآمدی ویژه، احساس ارزشمندی در زنان کم می‌شود. امروزه در فرهنگ لیبرالیستی که بر تشابه نقش‌ها و کم‌رنگ کردن نقش‌های جنسیتی تأکید می‌ورزد، با فشار تبلیغات و با فرهنگ‌سازی، سعی شده است ارزش‌های جدیدی برای زن امروز مطرح شود و چنین وانمود شود که این ارزش‌ها، ارزش‌های فراجنسیتی است و شادکامی و رضایت‌مندی می‌آورد.

هم‌اکنون تمام قراین نشانگر کم‌رنگ شدن ارزش‌های جنسیتی و نقش‌های متمایز است. تمایل به ابراز رفتارهای مردانه در زنان، کم‌شدن میل به ازدواج به دلیل تمایل به استقلال فردی، افزایش بزهکاری به دلیل کم‌شدن پشتوانه‌های عاطفی و نظارتی در خانواده، افزایش فرار دختران به دلیل وجود اختلالات شخصیتی و وجود مشکلات خانوادگی، کم‌شدن تمایل به مادری به دلیل میل به حضور اجتماعی، تصویر اشتغال به‌عنوان مهم‌ترین نمود مشارکت اجتماعی، نظام ارزش‌گذاری و سیستم تشویقی که ارزش‌هایی ناهمخوان با نقش‌های جنسی را تأیید و نقش‌های ناهمخوان با هویت زنانه را تشویق می‌کنند، ضعف اهتمام والدین به پرورش فرزندان و رها کردن زمام تربیت به دست رسانه‌ها و نهادهایی که مسئولیت کمتری در قبال تربیت اخلاقی ایفا می‌کنند و ده‌ها قرینه دیگر، همگی نشانه رنگ باختن ارزش‌ها و نقش‌های جنسی است.

۱-۱-۳. ضرورت بازخوانی هویت زنان

آرمان امت اسلام آشنایی با معارف ناب دینی و آشنایی با شیوه صحیح زندگی سعادت‌مندانه است؛ روشی که کارآمدی خود را در هدایت استعدادها و ایجاد نشاط در موضع عمل اثبات نماید. بسیاری از متدینان، آشنایی با الگوی جامع شخصیت زن در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی را آرزوی خود می‌دانند و اگر منتقدانه با بسیاری از ایده‌ها و آموزه‌ها مواجه می‌شوند، به دلیل تردید در